

نمودهای پوپولیسیم در ایران معاصر؛

بررسی عملکرد حزب توده و روش سیاسی مصدق در دهه بیست شمسی

مهدی اخوان خداهشهری^۱، بابک نادرپور^۲، سید عبدالامیر نبوی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۲

چکیده:

از زمانیکه قدرت مردم در عرصه سیاست موضوعیت پیدا کرد، استفاده و بهره برداری از چنین قدرتی هم مورد توجه سیاستمداران و بازیگران سیاسی قرار گرفت و به تناسب چنین تحولی، اندیشمندان حوزه سیاست برای توسل به قدرت مردم سازوکارهای مختلفی اندیشیدند که از مقبولترین آن‌ها سیستم نمایندگی است. از سوی دیگر، یکی از مهمترین آسیب‌ها و چالش‌هایی که نظام سیاسی مبتنی بر نمایندگی تاکنون با آن دست به گریبان بوده، پوپولیسیم می‌باشد. پوپولیسیم به معنای توسل بی‌واسطه و بی‌قاعده به قدرت مردم، عارضه‌ای است برای همه نظامهای سیاسی مبتنی بر نمایندگی که به شکل شدید یا ضعیف در آن‌ها دیده می‌شود. در این مقاله تلاش شده است عملکرد حزب توده و روش سیاسی دکتر محمد مصدق در دهه بیست شمسی، از طریق روش کیفی و با بهره‌گیری از نظریات یان ورنر مولر در خصوص پوپولیسیم مورد بررسی قرار گیرد. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که مجموعه‌ای از ویژگی‌های پوپولیستی مانند توده‌گرایی، غیریت‌سازی و ایده‌های کلی‌گرایانه بر عملکرد حزب توده و همچنین مواردی از قبیل رفتارهای سیاسی نامتعارف و عامه‌پسند، بی‌قاعدگی سیاسی و سیاست‌خیابانی، بر روش سیاسی مصدق تأثیرگذار بوده است.

واژگان اصلی: ایران معاصر؛ روش سیاسی مصدق؛ عملکرد حزب توده؛ نمودهای پوپولیسیم؛ سیستم

نمایندگی.

۱. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش جامعه‌شناسی سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: Nader1642@yahoo.com

۳. دانشیار موسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی (وزارت علوم، تحقیقات و فناوری)، تهران، ایران.

۱. بیان مسأله

امروزه کمتر نظام سیاسی را در دنیا می‌توان یافت که از خود نمایش دموکراتیک و مردمی ارائه ندهد و از رویکردهای دموکراتیک در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زندگی بشر سخن نگوید. این نمایش فارغ از اینکه ماهیت سیاسی چنین نظام‌هایی دموکراتیک است یا اقتدارگرا، حامل یک پیام معنادار و مهم می‌باشد و آن اینکه اجماعی جهانی شکل گرفته است تا مدار سیاست بر محور مردم حرکت کند و در چنین ساختاری مشروعیت یابد و به عنوان یک ابزار ارزشمند برای رساندن صدای مردم و مطالبات آن‌ها به گوش سیاستمداران عمل نماید. بنابراین در عصر حاضر، بحث اصلی بر سر اهمیت نقش و جایگاه مردم در سیاست نیست، بلکه نحوه توسل و تفسیر قدرت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است که می‌تواند کارکرد یک نظام سیاسی را تحت تاثیر قرار دهد. در تبیین این مسأله باید گفت؛ رابطه بازیگران سیاسی و سیاستمداران با مردم در نظام‌های سیاسی مبتنی بر نمایندگی از قاعده‌مندی و چارچوبی برخوردار است که دگرگونی آن می‌تواند باعث ناهنجاری کارکردی و سیاسی چنین نظام‌هایی شود که پوپولیسم نمونه بارز و برجسته آن می‌باشد. در حقیقت، پوپولیسم با حضور در نظام‌های سیاسی مبتنی بر نمایندگی، بستری را به وجود می‌آورد که در آن رابطه‌ی میان سیاستمداران و مردم دگرگون می‌گردد و به جایگاهی برای افراد و گروه‌هایی که در انتظار هستند تا سرخوردگی و ناامیدی خود را از نهادهای سیاسی نشان دهند، تبدیل می‌شود. به عبارتی «سیاست پوپولیستی با ظهور اشکال سیاسی در خارج از نهادهای معمول و سستی مرتبط می‌باشد، نهادهایی که هم‌زمان با مدرنیته شدن زندگی سیاسی و تغییر اساسی در معنا و مفهوم مردم شکل گرفته اند» (Panizza, 2005: 15). همچنین این واقعیت که پوپولیسم ظرفیت ایجاد اختلال در دموکراسی را دارد، ما را وادار می‌سازد تا در مورد تاثیرات نامطلوب آن به مطالعه و تحقیق پردازیم. «پوپولیسم بعنوان یک رویه سیاسی از یک سو می‌تواند بازتاب دهنده ویژگی‌های نامطلوب دموکراسی باشد و از سوی دیگر بعنوان تجربه‌ای فارغ از هرگونه ناهنجاری، پتانسیل بالقوه‌ای برای دموکراسی محسوب گردد» (Arditi, 2007: 81). بنابراین از ضرورت‌های اولیه برای تحقیق پیش رو، تبیین مفهوم پوپولیسم و شناخت ابعاد آن در یک مقطع تاریخی جدید می‌باشد، زیرا با فهم درست این مفهوم می‌توان به درک مناسبی از ویژگی‌های نظام سیاسی هنجارمند دست یافت و امکان‌های مطمئن‌تری را برای مراقبت از کارکردهای مثبت نظام سیاسی در نظر گرفت. لذا روش و عملکرد بازیگران سیاسی و سیاستمداران در ایجاد و اشاعه تفکرات عوام‌گرایانه و پوپولیستی بسیار تاثیرگذار بوده و این تاثیرگذاری در نحوه کارکرد نظام سیاسی مستقر خود را نشان خواهد داد. در این راستا،

یکی از معیارها و سنجه‌های ارزیابی کارکرد نظام سیاسی مبتنی بر نمایندگی، بررسی میزان وجود ویژگی‌های عوام‌گرایانه و پوپولیستی در آن می‌باشد که این مهم بدون توجه و پرداختن به عملکرد بازیگران سیاسی و سیاستمداران امکان پذیر نیست.

از مقاطع تاریخی مهمی که پوپولیسم در آن نمود و ظهوری بارز داشته، دهه بیست شمسی می‌باشد. «در این مقطع، فضای باز سیاسی ناشی از نبود حکومت استبدادی رضا شاه تا حدودی زمینه و بستر را برای فعالیت آزادانه سیاسی فراهم نمود، به طوری که شمار زیادی از نیروها، سازمان‌ها، احزاب و عقاید سیاسی پدیدار شدند و طبقات و گروه‌های مختلف اجتماعی با گرایش‌های ایدئولوژیک مختلف به ویژه گرایش‌های لیبرالی، ناسیونالیستی و سوسیالیستی در عرصه فعالیت سیاسی گام نهادند» (بشیریه، ۱۳۹۵: ۷۷).

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوال اصلی است که آیا عملکرد حزب توده و روش سیاسی مصدق در دهه بیست شمسی متأثر از عناصر و مولفه‌های پوپولیستی بوده است؟ فرضیه پژوهش بدین شکل قابل طرح می‌باشد که عناصر و مولفه‌های پوپولیستی بر عملکرد حزب توده و روش سیاسی مصدق در دهه بیست شمسی تأثیرگذار بوده است. در راستای تبیین اهداف پژوهش حاضر، تلاش خواهد شد با بهره‌گیری از روش کیفی و از طریق داده‌ها و اطلاعات کتابخانه‌ای نشان داده شود که چگونه عملکرد حزب توده و روش سیاسی مصدق در دهه بیست شمسی، متأثر از عناصر و مولفه‌های پوپولیستی بوده است.

۲. پیشینه تحقیق

در خصوص مطالعات انجام شده پیرامون رفتار و عملکرد بازیگران سیاسی و سیاستمداران بر اساس مشخصه‌های پوپولیسم، باید گفت این موضوع هم‌تراز با نقش و تأثیرگذاری خود در فضای سیاسی و اجتماعی ایران معاصر، در محافل علمی و دانشگاهی بصورت جدی مورد توجه قرار نگرفته است.

اولین اثر که در سطح دولت، پوپولیسم را مورد بررسی قرار داده است، کتاب «پوپولیسم ایرانی» نوشته علی سرزعی می‌باشد. این اثر با هدف تحلیل کیفیت دوران ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد، از منظر اقتصاد و ارتباطات سیاسی به رشته تحریر درآمده است. کتاب «پوپولیسم ایرانی» به بررسی فرآیند شکل‌گیری پدیده پوپولیسم و عملکرد آن در فضای سیاسی و اجتماعی کشور در یک دوره مشخص می‌پردازد. کتاب «خاستگاه روانی پوپولیسم» نوشته سحر صنیعی از دیگر آثار شاخص در حوزه پوپولیسم می‌باشد که به بررسی ارتباط روان‌شناسی جامعه و سیاست پرداخته است که در

آن نویسنده به دنبال این است که نشان دهد صورتبندی روانی یک جامعه تا چه حد می‌تواند در شکل‌گیری نظام سیاسی پوپولیستی تأثیرگذار باشد و این صورتبندی غالباً به شکل «توده‌گرایی» ظهور و بروز نماید، توده‌گرایی‌ای که راه را بر عقلانیت سیاسی و خرد فردی و جمعی می‌بندد. کنش‌ها و واکنش‌های پوپولیسم و دموکراسی، عنوان مقاله‌ای است که توسط پروین کوثری، قاسم ترابی و محمد علی قاسمی به رشته تحریر درآمده است. این مقاله با ذکر برخی از مهمترین ویژگی‌ها و شاخص‌های دموکراسی، واکنش پوپولیسم در قبال آن را مورد بررسی قرار داده و معتقد است که پوپولیسم با برخورداری از ابزارهایی چون رهبری کاریزماتیک و خودکامه، دموکراسی مستقیم، تئوری توطئه و اساطیر هویت بخش به تقابل با دموکراسی می‌پردازد. از دیگر آثاری که به بررسی ظهور و بروز پوپولیسم پرداخته، مقاله «زمینه‌های سیاسی و اجتماعی پوپولیسم و اقتدار طلبی» نوشته پرویز دلیرپور می‌باشد. محور اصلی مقاله تلاش جهت نشان دادن پیوند میان پیدایش جامعه پرشکاف و پیدایش دو گونه ارزش‌های اقتدارطلب و پوپولیست می‌باشد. از نگاه نویسنده «پوپولیسم یک پدیده مدرن بوده و این مدرن بودن به فرآیند ملت - دولت‌سازی در دوران معاصر مربوط می‌شود، فرآیندی که در کشورهای رو به توسعه بصورت طبیعی و تدریجی شکل نگرفته است» (دلیرپور، ۱۳۹۸: ۶۱-۵۵). پوپولیسم و کورپوراتیسم در پهلوی دوم، ابزارهای نرم برای اقتدارگرایی سخت، اثر عباس حاتمی به بررسی پوپولیسم در پهلوی دوم می‌پردازد. در این مقاله وجه اقتصادی پوپولیسم در رژیم محمد رضا شاه از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶ مورد بررسی قرار گرفته است. از نظر نویسنده، محمدرضا پهلوی هرچند از نظر سیاسی فاقد خصلت کاریزمایی بوده و به جای ارتباط مستقیم و بی‌واسطه با توده‌ها، بر نهادهای دموکراتیک مدنی همانند ارتش و بوروکراسی استوار بوده است، اما سیاست‌ها و اقدامات باز توزیعی وی در دوره مذکور همچون انقلاب سفید، نشان دهنده بهره‌برداری وی از وجه اقتصادی پوپولیسم می‌باشد (حاتمی، ۱۳۹۸: ۳۹-۳۷). شهریار زرشناس در خصوص مفهوم پوپولیسم و نمود سیاسی آن، یعنی دولت پوپولیستی معتقد است که اساساً این مفهوم در ادبیات سیاسی، گنگ و تعریف نشده است و به عنوان ناسزا و فحش به کار می‌رود. در حقیقت لیبرال‌ها وقتی از یک نظام به دلیل حضور مردمی خوششان نیاید، این برچسب را بکار می‌برند. آن‌ها می‌خواهند بگویند هر نوع گرایش مردم به سمت رهبران انقلابی و حمایت مردم از آن‌ها و همنوایی رهبران با آن‌ها، نشان‌دهنده عوام‌فریبی می‌باشد و این موضوع را تحت عنوان پوپولیسم مطرح می‌کنند.

به هر شکل هرکدام از آثاری که به آن‌ها اشاره شد به جنبه‌هایی از ویژگی‌های پوپولیسم و عوامل موجد آن پرداخته‌اند، اما مهمترین چیزی که در پژوهش حاضر بعنوان یک رویکرد متمایز بر آن تأکید شده است، بررسی این پدیده بعنوان یک عارضه سیاسی است، نه بعنوان یک ناسزا و دشنام سیاسی. عارضه‌ای که امکان بروز و ظهور آن در همه نظام‌های سیاسی مبتنی بر نمایندگی به شدت و ضعف وجود دارد. به عبارتی بحث اصلی این نیست که یک دولت، سیاستمدار و یا یک حزب سیاسی، پوپولیست هست یا نیست، بلکه کشف و ردیابی ویژگی‌های پوپولیستی در نظام سیاسی مبتنی بر نمایندگی می‌باشد که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مسأله می‌تواند در بررسی روش سیاسی محمد مصدق بعنوان یک سیاستمدار به اصطلاح لیبرال موضوعیت داشته باشد و از سویی با همان معیار در بررسی عملکرد حزب توده بعنوان یک حزب مارکسیستی مورد استناد قرار گیرد.

۳. چارچوب نظری

پوپولیسم از واژه لاتین (popularis) یا (populas) به معنای توده مردم یا عامه گرفته شده است و از نظر سیاسی آموزه یا روشی است در طرفداری کردن یا طرفداری نشان دادن از حقوق و علایق مردم عامه در برابر گروه نخبه (تاگارت، ۱۳۹۱: ۲۳). ارنستو لاکلائو پوپولیسم را نتیجه نزاع‌های گفتمانی‌ای می‌داند که در بلوک قدرت و نخبگان شکل می‌گیرد. از نظر وی این پدیده شکل بیان سیاسی بخش‌های محبوب را تشکیل می‌دهد و زمانی رخ می‌دهد که جناحی از طبقه‌ی مسلط می‌کوشد هژمونی خود را تحمیل کند، اما قادر به ایجاد یک سازمان خود مختار و ایدئولوژی طبقاتی نیست و در نتیجه مستقیماً به توده‌ها متوسل می‌شود (Laclau, 1977: 53). مود معتقد است، پوپولیسم یک ایدئولوژی کم‌مایه و سطحی است که در نهایت جامعه را به دو گروه همگن و متضاد تقسیم می‌کند، مردمان پاک در برابر نخبگان فاسد. وی همچنین دو تبیین کلی از پوپولیسم به دست می‌دهد؛ نخست سیاست مردم به معنای گفتمان شدیداً احساسی هیجانی و ساده‌انگارانه که به سمت احساسات غریزی مردم جهت‌گیری شده است و دیگری، سیاست‌گذاری فرصت‌طلبانه با هدف خشنودسازی یا جلب رضایت مردم از رأی دهندگان (Bryder, 2009: 4). برخی هم مانند داتسون پوپولیسم را یک نوع استراتژی سیاسی می‌دانند، در این رویکرد پوپولیسم مفهوم گسترده‌ای برای توضیح جنبش‌های توده‌ای است که بطور معمول رهبری کاریزماتیک را با بسیج بخش‌های حاشیه‌ای جامعه ترکیب می‌کند (Dodson and Dorraj, 2008: 72).

با توجه به اینکه چارچوب نظری مقاله حاضر مبتنی بر نظریات یان ورنر مولر می‌باشد، در اینجا

لازم است به محورهای اصلی نظریات وی در خصوص پوپولیسم اشاره شود. از نظر ورنر مولر هر چند اعتقاد به حق و قدرت توده مردم در مقابل نخبگان عنصر مشترک تمامی تعاریف از پوپولیسم می‌باشد، اما یک سیاستمدار یا جنبش سیاسی اگر بخواهد پوپولیست باشد، باید ادعا کند که بخشی از مردم راستین است و اینکه فقط آن پوپولیست، شناخت اصیلی از آن‌ها دارد و مردم راستین و واقعی را نمایندگی می‌کند. وی همچنین معتقد است که پوپولیسم با استقرار دموکراسی نمایندگی سر بر می‌آورد و ادعای اصلی آن، گونه‌ای اخلاقی شده از کثرت‌ستیزی است (ورنر مولر، ۱۳۹۶: ۳۰-۲۹).

به اعتقاد مولر، چنین ادعایی، پیامدهایی را با خود به همراه خواهد داشت و نخستین پیامد تجربی آن، نخبه ستیزی یا طرد نخبگان از دنیای سیاست می‌باشد. این نگاه نخبه ستیزانه، بعد اخلاقی دوگانه ای به درگیری‌های سیاسی می‌دهد و بر دوگانه «ما» و «آن‌ها» مبتنی است و موجب غیریت سازی خواهد شد. به عبارتی، وقتی پوپولیست‌ها ادعا کنند که آنها فقط خود نماینده واقعی مردم‌اند و مدعیان سیاسی دیگر صرفاً در زمره نیروهای فاسد و بی اخلاق هستند (ورنر مولر، ۱۳۹۶: ۲۷). این مسأله مجوزی خواهد بود برای ورود بی قاعده در عرصه سیاست و بی اعتبار گشتن نقش سایر نیروهای سیاسی به عنوان نمایندگان سیاسی مردم.

پیامد تجربی دیگر که یان ورنر مولر به آن اشاره می‌کند، نهادستیزی یا نهادگریزی است. با توجه به اینکه بستر فعالیت نخبگان سیاسی، نهادهای مختلف سیاسی است، محدودیت نقش سیاسی نخبگان بر عملکرد نهادها اثر خواهد گذاشت. از دید وی عدم سازگاری «خود جوشی» به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی پوپولیسم با موضوع «نهادی کردن» ناشی از محدودیت‌های ذاتی پوپولیسم در مقابل نهادپذیری است.

سومین اثر یا نتیجه اعتقاد پوپولیستی به مردم، یکپارچه‌سازی اجتماعی است. آن چیزی که نانسی روزنبلوم «کل‌گرایی» خوانده است، این اندیشه که جامعه سیاسی دیگر نباید چند دسته باشد و این تصور که می‌توان کاری کرد که مردم یکی شوند و همه آن‌ها یک نماینده راستین و واحد داشته باشند. پوپولیسم مستلزم ادعای نمایندگی انحصاری است، به عبارتی پوپولیسمی وجود نخواهد داشت، مگر اینکه کسی به نمایندگی از کل مردم سخن بگوید. نتیجه طبیعی چنین اعتقادی حذف نیروهای واسط در نمایندگی کردن از منافع و خواسته‌های نیروهای متنوع سیاسی است (ورنر مولر، ۱۳۹۶: ۲۸).

۴. حزب توده

برنامه‌ها و اقدامات حزب توده را می‌توان نخستین نمونه و نمود پوپولیسم در ایران معاصر

دانست که در قبال نظام سیاسی مبتنی بر نمایندگی از خود واکنش نشان داده است. البته این امر را باید نتیجه فضای نسبتاً باز سیاسی پس از سلطنت رضاشاه دانست که در آن احزاب و گروه‌های سیاسی فرصت بیشتری برای قدرت‌نمایی پیدا کردند، فرصتی که در آن توسل به قدرت مردم به عنوان منبع مشروعیت حاکمیت بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت.

۴-۱. توده‌گرایی

توجه به همه طبقات جامعه و نادیده انگاشتن تمایزات و تفاوت‌های آن طبقات به منظور جذب گسترده توده‌ها. «در ۱۵ مهر ۱۳۲۰، جلسه هیئت موسسان حزب توده با شرکت ۸۰ نفر در منزل سلیمان میرزای اسکندری تشکیل شد. علی‌اف به عنوان یک کمونیست ایرانی که از آذربایجان آمده بود به سخنرانی پرداخت و چنین استدلال کرد: با توجه به شرایط و اوضاع و احوال ایران، حزبی باید تأسیس شود که معتدل و میانه رو باشد تا بتواند کلیه طبقات را در خود جمع آوری کند. بدین لحاظ نام حزب کمونیست در شرایط فعلی برای ایران مناسب نیست، بدینسان نام حزب توده برای حزب فوق انتخاب شد» (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۸۷: ۹۴).

توده‌گرایی از ویژگی‌های بارز پوپولیسم می‌باشد که به منظور جذب گسترده توده‌ها، تفاوت‌ها و تمایزات طبقات جامعه نادیده انگاشته می‌شود. این توجه و تأکید هدفمند بر مطالبات و خواسته‌های همه طبقات جامعه و ادعای نمایندگی فراگیر از مهمترین برنامه‌های حزب توده در زمان فعالیتش بود و به آن پرداخته می‌شد «حزب برای جذب توده‌ها به ویژه کارگران، دهقانان، زنان و قشرهایی از طبقه متوسط مانند روشنفکران، خرده مالکان، پیشه‌وران و کارمندان سطح پایین پیشنهادها و ویژه‌های مطرح می‌کرد. بعنوان مثال در این برنامه‌ها برای کارگران قانون هشت ساعت کار روزانه و خانه‌های سازمانی وعده داده شده بود. برای دهقانان توزیع زمین‌های سلطنتی و دولتی و تخصیص بخش زیادی از محصول به زارعان، برای زنان تامین حقوق سیاسی و کمک‌های رفاهی به مادران تنگدست وعده داده شده بود. برای اصناف، حمایت از محصولات داخلی در برابر رقابت خارجی و برای طبقه متوسط مزد بگیر هم درآمدهای بیشتر، وضع مالیات کمتر بر کالاهای مصرفی، نظارت دولت بر قیمت مواد غذایی و اجاره‌ها و برنامه‌های دولتی برای استخدام دانشجویان و دیپلمه‌ها پیشنهاد شده بود» (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۳۵۰).

همچنین حزب توده در راستای اهداف و برنامه‌های از پیش تعیین شده خود مبنی بر جذب حداکثری توده مردم، دست به یکسری اقدامات متناقض زد. حزب از یک طرف به لحاظ مبانی فکری و اندیشه‌ای به تفکرات مارکسیستی وابستگی داشت و از سوی دیگر موفقیت خود را بصورت

عملی به دولت سوسیالیستی شوروی پیوند زده بود، اما در داخل کشور به تبلیغ آرمان های میهن پرستانه و ارزش های سستی و مذهبی ایران می پرداخت، موضوعی که ارتباط و نسبت آن فقط برای توده ای ها قابل درک بود. در بیانیه کمیته مرکزی که به مناسبت پنجمین سالگرد تأسیس حزب توده منتشر شد، چنین آورده شده بود «هم میهنان... کمیته مرکزی حزب توده ایران، در این هنگام که پایان پنجمین سال تأسیس حزب و عید باستانی مهرگان را جشن می گیرد، به همه شما درود می فرستد. حزب توده ایران که بر پا کننده بزرگترین جشن های اخیر ایران است، با زنده کردن یکی از بزرگترین اعیاد باستانی ما مهرگان، ضمناً روز بزرگ امیران و خسروان دیرین را به عید توده های مظلوم... مبدل ساخت. از این پس عید تأسیس حزب ملی ما مصادف با مهرگان خواهد بود» (غنی نژاد، ۱۳۹۴: ۴۹).

از سوی دیگر حزب با توجه به ساختارهای مذهبی جامعه ایرانی و حساسیت های موجود در این زمینه، سعی می کرد مبانی فکری و عقیدتی خود را بصورت شفاف بیان نکند. رهبری حزب در معرفی مبانی عقیدتی اظهار داشت «حزب توده نه تنها مخالف مذهب نیست، بلکه مذهب به طور کلی و مذهب اسلام خصوصاً احترام می گذارد و روش حزبی خود را با تعلیمات عالیه مذهب محمدی منافی نمی داند، بلکه معتقد است که در راه هدف های مذهب اسلام می کوشد... حزب توده ایران حامی جدی تعالیم مقدس اسلام خواهد بود. حتی حزب برای جلب حمایت توده ها اقدامات چندی را به اجرا گذاشت. به عنوان مثال؛ در مجلس طرح قانونی مبارزه با شراب، الکل و تریاک را ارائه کرد. در ایام محرم راجع به قیام امام حسین (ع) سخنرانی برگزار می کرد و به مناسبت میلاد حضرت علی (ع)، عید غدیر، میلاد حضرت رسول اکرم (ص) نیز تریک و شادباش خود را به ملت مسلمان ایران تقدیم می کرد» (کولائی، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

به هر شکل فعالیت ها و اقدامات حزب توده را می توان نخستین نمونه از توده گرایی در ایران معاصر دانست که سعی داشت از طریق یکدست ساختن طبقات گوناگون و ایجاد یک فضای توده ای، به اهداف سیاسی خود دست پیدا کند. حتی این پوشش گسترده طبقاتی برنامه ها و اقدامات حزب توده به منظور جذب حداکثری توده ها باعث شده بود، که برخی از اعضاء و منتقدان حزب به این رویکرد خرده بگیرند. به عنوان مثال اسحاق اپریم از اعضای کادر حزب توده، اطلاق لفظ جبهه را برای آن مناسب تر تلقی می کرد و از بکار بردن واژه حزب خوداری می کرد. همچنین خلیل ملکی در کتاب خاطرات سیاسی به این نکته اشاره کرده است که سازمان اجتماعی حزب توده، یک سازمان وسیع توده ای بود و نه دربر گیرنده عناصر پیشرو که خاصیت پیشقراول بودن را دارا می باشد. نتیجه

اتخاذ چنین رویکردی، افزایش میزان عضویت طبقات مختلف در حزب بود، بطوریکه «تا تابستان ۱۳۲۲ که کنگره اول برگزار شد، حزب بیش از بیست و پنج هزار عضو جمع کرده بود.» (آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۱۴۲).

حزب توده پس از معرفی و ارائه برنامه‌ها و آرمان‌های حزبی و همچنین جذب اعضا، نیازمند فرصتی بود تا میزان موفقیت خود را در جذب توده‌ها بصورت عینی به نمایش گذارد که بهترین مکان برای نمایش چنین موفقیتی عرصه خیابان بود. از نظر پرواند ابراهامیان نخستین جلوه نمایی حزب توده در خیابان‌ها ۲۸ مهرماه ۱۳۲۲ بود که حزب به مناسبت دومین سال تأسیس و آغاز کارزار تبلیغاتی‌اش برای انتخابات مجلس، راهپیمایی برگزار کرد و پاسخ مردم به این فراخوان اغلب ناظران و تحلیلگران را شگفت زده کرد. جمعیت آمده به خیابان‌ها را بزرگترین جمعیت در تاریخ تهران خواندند. در همان سال، تظاهر کنندگان حزب توده در اصفهان خودشان را آنقدر مصمم نشان دادند که فرماندار مجبور به فرار از شهر شد (آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۵۲-۵۱).

۴-۲. غیریت سازی

در آغاز دهه ۱۳۲۰ حزب توده در نبرد میان دو اردوگاه ایدئولوژیک، یعنی سرمایه داری و سوسیالیسم، از تفکرات و برنامه‌های سوسیالیستی که مورد حمایت اتحاد جماهیر شوروی بود نمایندگی می‌کرد و از طریق فعالیت‌ها و اقدامات خود، سعی بر نفی یا طرد رقیب ایدئولوژیک، یعنی نظام سرمایه‌داری داشت. حزب از طریق تلقیح اندیشه‌ها و تفکرات سوسیالیستی، خصوصاً برجسته سازی موضوعات طبقاتی، به دنبال ایجاد فضای دو قطبی در جامعه ایران بود. همانطور که در نخستین برنامه حزب به این موضوع اشاره و بیان می‌دارد «جامعه ما دارای دو طبقه عمده است، طبقه ای که مالک وسایل تولید است و طبقه‌ای که چیز قابل توجهی ندارد، این دومی کارگران، دهقانان، روشنفکران پیشرو و پیشه‌وران را در بر می‌گیرد. آن‌ها کار می‌کنند اما ثمره کار خود را دریافت نمی‌دارند، تحت ستم الیگارشی حاکم قرار دارند» (انصاری و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۳).

در یک نگاه کلی، غیریت سازی حزب توده را می‌توان در دو سطح داخلی و خارجی مورد بررسی قرار داد. در سطح داخلی غیر یا دیگری‌ای که مورد توجه بود و ویژگی‌های دیگر بودگی آن هم بصورت منفی مفهوم سازی و برجسته می‌شد عبارت بود از «طبقه حاکم ارتجاعی». دال‌های شنآوری هم که اکثراً از طرف حزب توده برای به چالش کشیدن یا به حاشیه راندن این غیر یا دیگری مورد استفاده قرار می‌گرفت عبارت بود از قانون‌گرایی، آزادی، دموکراسی، برابری، پیشرفت و مفاهیم مشابه دیگر. به عنوان نمونه حزب از طریق برجسته کردن دال «قانون» و مفاهیم مترادف آن مانند «

مقررات» و «حقوق» در مطبوعات و در موضع گیری سیاسی می‌کوشید تا خود را قانون‌گرا و رقیب را بی توجه به قانون جلوه دهد (مظفری پور و تقوی و اطهری، ۱۳۸۹: ۷۵).

یا مثلاً در بحث آزادی هیأت تحریریه «رهبر» ارگان حزب توده ایران در بیان و تعریف این حزب، آن را متشکل از شریف ترین عناصر آزادیخواه ایران معرفی می‌کند و بزرگترین ضامن دموکراسی در ایران می‌نامد. یا در انتقاد از سیاست های دولت مصدق اعلام می‌دارند که در کشور ما کوچک ترین اثری از آزادی وجود ندارد، زیرا دار و دسته اوپاش و اراذل دولتی با کمک قوای تأمینیه، همه آثار آزادی و مشروطیت را از میان بردند و به جنایاتی دست زده اند که نظیرش در تاریخ ایران نمی‌توان یافت (مظفری پور و تقوی و اطهری، ۱۳۸۹: ۷۹).

دال دیگری که حزب تأکید زیادی بر آن داشت و در پی برجسته سازی آن بود، دال دموکراسی است. حزب توده پس از تاسیس، یکی از اهداف و اصول اصلی خود را که در برنامه حزب هم گنجانده شده بود، برقراری حکومت دموکراسی، تأمین حقوق فردی - اجتماعی و مبارزه با استبداد اعلام نمود و این حزب را بعنوان بزرگترین ضامن دموکراسی در ایران می‌دانست. حزب توده حتی شعار مبارزه خود را مقاومت همه طبقات و اقشار آزادیخواه در مقابل «رجعت دیکتاتوری» اعلام کرد، دیکتاتوری‌ای که پایه‌هایش در اثر دخالت بیگانگان فروریخته بود (کولائی، ۱۳۸۷: ۱۸۷).

تعهد ایدئولوژیک حزب توده باعث شده بود غیر از غیریت سازی داخلی در سطح خارجی هم اقدام به غیریت سازی نماید. مفاهیمی را که در این زمینه حزب سعی نمود از طریق حاشیه رانی آن ها بعنوان یک غیر یا دیگری مورد توجه قرار دهد، عبارت بود از: استعمار، امپریالیسم و سرمایه داری. در این خصوص می‌توان به برخی از نقطه نظرات حزب توده در موضع گیری‌های سیاسی و مطبوعات اشاره کرد. در یکی از این موارد، گفته می‌شود که «ملل خاورمیانه هنگامی به آرزوی دیرین خویش خواهند رسید که «امپریالیسم» و طبقات حاکمه وابسته به آن در خاورمیانه سرکوب شده باشند». در جای دیگری عنوان می‌گردد که «امروز مردم شرافتمند ایران همه قوای خود را بر ضد استعمار تجهیز می‌کنند. موفق باد مبارزه درخشان ملت ایران در راه آزادی و استقلال ملی» (مظفری پور و تقوی و اطهری، ۱۳۸۹: ۷۲). همچنین ارگان های این حزب دولت مصدق را دولتی وابسته و در خدمت منافع امپریالیسم یعنی آمریکا می‌داند و اعلام می‌دارد مردم ضد استعمار ایران، دولت و مجلس، هر دو را محکوم می‌کند و اذعان می‌دارد که روزنامه ما به نام افکار عمومی ملت ایران هرگونه روش سازش کارانه دولت دکتر مصدق را مورد شدیدترین انتقادات منطقی قرار می‌دهد).

مظفری پور و تقوی و اطهری، ۱۳۸۹: ۷۵).

در موارد ذکر شده مشخص گردید مخرج مشترک همه نظرات و مواضع ارگان‌های وابسته حزب، به حاشیه راندن و طرد مفهوم امپریالیسم به عنوان یک «دیگری» یا «غیر» می‌باشد که البته به حاشیه راندن و نفی این دیگری نیازمند اثبات و برجسته‌سازی ویژگی‌های مثبت یک خودی بود، که از نظر حزب توده نماینده شایسته و باصلاحیت این «خودی» سوسیالیسم و نماینده جهانی آن شوروی بود. به عبارتی «سران حزب توده بر این باور بودند که سوسیالیسم یک اردوگاه جهانی دارد و آن هم در مسکو است و در واقع سرنوشت سوسیالیسم در جهان به مسکو پیوند خورده است و اگر قرار است اصلاحات سوسیالیستی پیش برود، چاره‌ای جز تبعیت از شوروی وجود ندارد» (رحمانیان، ۱۳۹۶: ۶۳). البته حزب این اقدامات خود را مبری از تعهدات ایدئولوژیک به دولت سوسیالیستی شوروی می‌دانست و آن را با این استدلال که «دولت شوروی به جهت سرشت سوسیالیستی خود از هرگونه استعمار و ستم ملی پاک است و هدف‌های سیاست آن با هدف‌های ملت‌های استعمارزده و از جمله ایران یکی است» (پوریا، ۱۳۹۶: ۲۰)، توجیه می‌نمود.

۳-۴. ایده‌های کل گرایانه

یکی دیگر از ویژگی‌های پوپولیسم، طرح ایده‌ها و وعده‌های کلی است که این مسأله به دلیل دامنه نفوذ و تاثیرگذاری چنین شعارهایی بر توده مردم از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد. به عبارتی ارائه ایده‌ها و وعده‌های کلی در راستای اهداف اصلی پوپولیستی، که همان جذب حداکثری توده مردم می‌باشد، قابل توجیه است. حزب توده پس از تأسیس در سال ۱۳۲۰، مهمترین عامل ترویج ارزشهای کل‌گرایانه بر پایه اندیشه‌های سوسیالیستی در فضای سیاسی و اجتماعی ایران بوده است. طرح شعارهایی همچون نان برای همه، فرهنگ برای همه، کار برای همه و بهداشت برای همه که جملگی از ویژگی‌های کل‌گرایانه برخوردار بودند و نحوه تحقق آن‌ها هم غالباً مبهم و نامشخص بود. ویژگی کل‌گرایانه و آرمانی اندیشه‌های سوسیالیستی-مارکسیستی حزب توده باعث شده بود تا تعداد چشمگیری از روشنفکران، ادیبان و شاعران شاخص، کسانی که نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی و هدایت افکار و اندیشه‌های مردم داشتند، به این حزب گرایش پیدا کرده و جذب آن شوند.

به قول آبراهامیان، فهرست آنان شبیه یک «نام‌نامه مشاهیر» ایران بود: اشخاصی همچون «صادق هدایت، بزرگ‌علوی و صادق چوبک، سه تن از مهمترین چهره‌های نثر مدرن؛ احمد شاملو و نیما یوشیج، پیشگامان شعر نو؛ بهار شاعر نامدار کلاسیک؛ سعید نفیسی، مهدی باامداد، محمد تمدن، مرتضی راوندی، یحیی آریانپور تاریخ‌نویسان سرشناس؛ نوشین و حسین خیر خواه، پایه‌گذاران تئاتر

مدرن؛ غلامحسین ساعدی، نمایش نویس؛ جلال آل احمد و به آذین، گزارش نویسان نامی؛ گلستان، یکی از نخستین کارگردانان سینما در ایران؛ و دیگر چهره‌های ادبی نظیر پرویز خانلری، نادر نادرپور، محمد تفضلی، محمد معین، فریدون توللی، فریدون تنکابنی و سیاوش کسرای (آبراهامیان، ۱۳۹۶: ۲۰۵).

بنابراین گرایش و جذب چنین چهره‌های شاخصی به حزب که بنابر خصلت ذاتی خود غالباً آرمان‌گرا بودند، در کنار نارضایتی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی‌ای که بعد از سال ۱۳۲۰ در سطح جامعه بروز کرده بود، منجر به این شد که نگاه به مسائل و معضلات جامعه بیش از آنکه واقع‌گرایانه و آسیب‌شناسانه باشد، غایت‌گرایانه و هیجانی شود، موضوعی که تأثیر آن بر حوادث و رخداد‌های سیاسی و اجتماعی دهه ۲۰ خصوصاً بر فعالیت‌ها و اقدامات حزب توده، قابل بررسی و ردیابی است. حزب از طریق ارگان‌هایی که در اختیار داشت همه چیز جامعه و دولت را مورد نقد شدید قرار می‌داد و در مقابل آن یک شرایط آرمانی و ایده آل را ترسیم می‌نمود که امکان تحقق آن در شرایط عادی غیر ممکن می‌نمود. همچنین از برنامه‌های حزب که کشور را در یک بحران دائمی قرار داده بود، مساله اعتصاب‌های اقتصادی و کارگری بود که حزب از این حربه بطور دائم استفاده می‌کرد. «این اعتصابات در زمان دولت مصدق تا حدی روند عادی کشور را دچار اختلال کرده بود که دولت مصدق سعی در از بین بردن گرایش مردم و کارگران به سمت حزب توده داشت و همچنین خلیل ملکی، رهبر جناح سوسیالیست جبهه ملی اعلام کرد که در شرایط بحرانی کشور، اعتصاب‌های اقتصادی به اندازه خرابکارهای سیاسی خطرناک است و در نهایت آیت الله کاشانی برای دور کردن کارگران از اتحادیه‌های هوادار حزب توده به تحریک احساسات اسلامی متوسل شد» (آبراهامیان، ۱۳۹۶: ۲۳۳).

به هر شکل می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که تعهد و توسل حزب توده به ارزش‌ها و ایده‌های کل‌گرایانه موجب گردیده بود که یک فضای غیرواقعی و هیجانی نسبت به شرایط جامعه شکل بگیرد و این دقیقاً همان چیزی بود که می‌توانست برای اقشار فرو دست و آسیب دیده جذابیت داشته باشد.

۵. روش سیاسی محمد مصدق

روش سیاسی مصدق چه بعنوان یک سیاستمدار و چه در قالب یک دولت برخوردار از قدرت سیاسی، متأثر از مولفه‌های عوام‌گرایانه و پوپولیستی بوده است. وی برای تحقق خواسته‌ها و اهداف خود غالباً متوسل به شگردها و شیوه‌های پوپولیستی می‌شد و سعی داشت معذوریت‌های شخصی و محدودیت‌های ساختار سیاسی موجود را از این طریق جبران نماید. به قول یرواند آبراهامیان،

مصدقی که با حمایت طبقه متوسط و بهره‌گیری از راهبردهایی همچون عریضه نویسی و تظاهرات خیابانی توانسته بود جنبشی توده‌ای در حمایت از ملی شدن صنعت نفت به راه اندازد، به حمایت‌ها و پشت‌گرمی‌های سیاسی توده مردم امیدوار بود، بطوریکه این مسأله در باز تعریف رابطه وی به عنوان یک سیاستمدار با مردم نقش بسزایی داشت. بنابراین آن چیزی که در بررسی روش سیاسی مصدق باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد، موضوعات و رفتارهایی است که بیانگر گرایش و توسل وی به قدرت توده مردم از طریق عوام‌گرایی است.

۱-۵. رفتارهای نامتعارف و توده پسند

متعارف رفتار کردن در عالم سیاست، شامل طیف گسترده‌ای از رفتارهای سیاسی، رعایت هنجارهای سیاسی، اعتقادات سیاسی، تشریفات و هنجارهای دیپلماتیک، نوع پوشش، نحوه سخن گفتن و غیره می‌شود. مجموع این عوامل یک تصویر کلی از سیاستمدار در نزد افکار عمومی ایجاد خواهد کرد که آن تصویر تعریف‌کننده نوع رابطه مردم با سیاستمدار هم خواهد بود.

مصدق از جمله سیاستمدارانی بود که تصویر به جای مانده از وی، تصویر یک سیاستمدار غیرمتعارف بود. سیاستمدار غیرمتعارفی که اقدامات سیاسی او در فضای سنتی سیاست قبیله‌ای و استبداد زده آن روز ایران غریب می‌نمود و به لحاظ ویژگی‌های خاص اخلاقی و رفتاری خود در مرکز توجه مردم و نخبگان قرار داشت. اینکه گفته شده «مصدق همیشه در حال هیجان، غش کردن، اشک ریختن و احساس نومیدی و مرگ بود» تصویری مبالغه‌آمیز و به دور از واقعیت نیست بلکه برآیند رفتارهایی است که وی در زمان فعالیت سیاسی از خود به جا گذاشته بود.

حکایتی از خسرو قشقائی است بدین شرح که «روزی در مجلس شورای ملی، (درست بخاطر من نیست در ارتباط با چه موضوعی یا لایحه‌ای که نمی‌بایست تصویب بشود و یا چه)، همه در غلیان بودیم و رشته کار می‌رفت که از دست بدر شود. ناگهان در میان آن تب و تاب دکتر مصدق از حال برفت و غش کرد. لایحه موقتاً فراموش شد و مجلس از کار باز ماند. یاران به گردش حلقه زدند، مضطرب و نگران که چه کنیم؟ یکی در آن میان گفت از دست ما کاری ساخته نیست. بهتر است دکتر راجی را صدا بزنیم، پزشک است و شاید بتواند درمانش کند. هنوز جمله‌اش به پایان نرسیده بود که مصدق آهسته گوشه چشمی گشود و تا مطمئن شد که از اغیار کسی در آن میان نیست با دست اشاره‌ای کرد و من سرم را به جلو بردم و او در گوشم گفت: نه، راجی نه، نفتی است، او را صدا نزنید و دوباره از حال رفت، ما که خیالمان راحت شده بود و دانستیم مصلحتی است دنبال کار را گرفتیم تا زمان گذشت و منظورمان حاصل شد» (سمیعی، ۱۳۹۵: ۱۴۴).

همچنین گفته شده «در انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی، در جریان انتخاب بازرسان قضایی، دکتر مصدق در روز معارفه، در پاسخ به سوال مستشار دیوان کشور، بدون کوچکترین تأملی همزمان که لب به سخن می‌گشود دست در جیب کرد و دستمالی آورد و بلند گریه کرد. طوری که به زحمت می‌شد گفته‌هایش را فهمید... صدای گریه نخست وزیر و عدم تعادل وی برای سر پا ایستادن، وزراء و دیگران را به گرفتن او که به زمین نخورد واداشت..... بدین ترتیب دکتر مصدق را به اتاق خود بردند و مراسم معارفه و آشنایی پایان یافت» (همايون کاتوزيان، ۱۳۹۷: ۴۸۹).

وی به این سبک از سیاست ورزی اعتقاد و علاقه خاصی داشت و به تأثیرگذاری آن اذعان کرده بود. در این رابطه به احمد زیرک زاده (از اعضای جبهه ملی و معاون وزیر اقتصاد) گفته بود که نخست وزیر مملکتی فقیر و بیچاره باید ضعیف و رنجور بنظر بیاید و از این هنر در پیش بردن مقاصد سیاسی خود استفاده کند. موضوع دیگر، تزریق ترس و هیجانات مربوط به تهدیدات ادعایی در فضای جامعه بود. انتقال نگرانی و تهدید و ترور به فضای ذهنی و روانی جامعه و استقرار در محل مجلس بصورت شبانه روزی توسط مصدق نمونه دیگری از اغراق در مشکلات عادی بود. وی در یکی از این موارد، طی نطقی به نمایندگان مجلس بیان می‌دارد «یکی از روزها که از نخست وزیری می‌خواستم خارج شوم و به سنا بروم، یک زن که بچه‌ای در بغل داشت خود را طوری به اتومبیل چسباند که نزدیک بود زیر چرخ ماشین برود و من سوء ظن کردم. دیروز هم پس از رفتن به شهربانی برای پیگیری موضوع تهدیدات، به خانه که می‌آمدم جمعیت زیادی دیدم و این اجتماع سبب شد یقین کنم، مخاطراتی در پیش است» (بنی جمالی، ۱۳۹۵: ۲۹۶). و در نطق دیگری هم ادعا کرد که در خواب بر او الهام شده که در قضیه نفت کار خود را ادامه دهد ولی افزود، نسبت به جانش از جانب فدائیان اسلام تهدید به عمل آمده و بنابراین تا وقتی که سرنوشت مسأله نفت نامعلوم است در مجلس باقی خواهد ماند (عظیمی، ۱۳۹۱: ۴۸۵).

فارغ از مبالغه آمیز بودن یا نبودن چنین ادعایی، یک نکته قابل توجه است و آن اینکه صرف انعکاس و انتقال چنین نگرانی ایی به جامعه از طرف مصدق، جامعه‌ای که به دلیل ویژگی‌ها و هیجانات عوام‌گرایانه خود حساس شده بود، نقش بسزایی در جلب و جذب حمایت توده مردم نسبت به وی داشت و شاید هم به دلیل درک همین حساسیت‌های جامعه نسبت به خودش بود که می‌گفت «هر چقدر نماینده‌ها به من فحش بدهند و توهین کنند، همان قدر اعتبار من در جامعه بالا می‌رود» (دوبلگ، ۱۳۹۸: ۲۱۷).

۲-۵. بی‌قاعدگی سیاسی

قاعدهمندی سیاسی به ارتباط قاعده‌مند و تعریف شده سیاستمداران با مردم از طریق نهادهای سیاسی اشاره دارد و یکی از نتایج این قاعده‌مندی، منطقی بودن و پیش‌بینی‌پذیری رفتارهای سیاسی می‌باشد و اگر این رابطه دچار تحول شود، هم‌راستایی اراده و خواست سیاستمدار با اراده و خواست مردم، جایگزین سازوکارهای نمادین می‌شود و فضای حاصل از این هم‌راستایی موجب رفتارهای هیجانی و غیرپیش‌بینی‌پذیر خواهد شد. به عبارتی می‌توان گفت فرق میان پوپولیسم و دموکراسی در این است که در دموکراسی واقعی، مردم باوری در یک بستر قانونی، منطقی، قاعده‌مند و مسئولانه تعریف می‌شود، در حالیکه در پوپولیسم این مردم باوری در یک بستر هیجانی، غیر مسئولانه، آشفته و قانون‌گریز معنی می‌شود.

یکی از ویژگی‌های عامه‌پسندی که در عملکرد و رفتار سیاسی دکتر مصدق نمود بارز داشت، بی‌قاعدگی سیاسی بود. نحوه مواجهه وی با مجلس به عنوان یک نهاد سیاسی، گویای این ویژگی است. تقاضای اختیارات فوق‌العاده از مجلس توسط دکتر مصدق و به دنبال آن انحلال مجلس هفدهم از طریق رجوع به آراء عمومی، از یک طرف بیانگر درک و اعتقاد پوپولیستی وی از سیاست و حکمرانی بود و از سوی دیگر نمایش سرخوردگی وی از یک نهاد سیاسی مانند مجلس که آن را مانعی در راه رسیدن به اهداف و سیاستهای خود می‌دید، آنجا که می‌گوید «ما باید این مجلس را ببندیم، این مجلس مخالف ماست و نمی‌گذارد کار کنیم، باید آن را با رای مردم ببندیم» مویده چنین مسأله‌ای است (بنی‌جمالی، ۱۳۹۵: ۳۲۸). یا در جای دیگری اشاره می‌دارد که «به عقیده من قانون اساسی برای مردم است نه مردم برای قانون اساسی» (سحابی، ۱۳۸۰: ۳۷). نکته اینکه مصدق در حالی درخواست اختیارات فوق‌العاده و اقدام به انحلال مجلس می‌کرد که قبلاً مواضع کاملاً متفاوتی نسبت به چنین اقداماتی از خود نشان داده بود. به عنوان نمونه وی رزم آرا «نخست وزیر» و داور «وزیر دادگستری» را به خاطر چنین اختیارات و اقدامات به قول او «خلاف قانون اساسی» مورد انتقاد شدید قرار داده بود (بنی‌جمالی، ۱۳۹۵: ۳۳۰).

بنابراین، ما با دو مصدق در دو شرایط و مواضع متفاوت مواجه هستیم که از یک قاعده سیاسی برابر پیروی نمی‌کند، مصدقی که در یک مقطع مدافع مجلس و اجرای قانون اساسی است و مصدقی که در شرایط دیگری به قول خودش به خاطر مصالح ملی، در پی تعطیل نمودن دو نهاد سیاسی قانونی، یعنی مجلس و قانون اساسی بود و یا به قول آبراهامیان «مصدقی که یک حقوقدان کاملاً آشنا

به قانون اساسی بود و آن را با دقت و ظرافت بسیاری علیه شاه به کار برده بود، اکنون بدون توجه به همان قانون به نظریه اراده عمومی متوسل می‌شود، شخصیت میانه‌روی که سلب حق رای از بی‌سوادان را توصیه کرده بود، اکنون برای جلب رضایت و تحریک توده‌ها تلاش می‌کرد» (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۳۳۷).

مطلب دیگر بررسی نوع نگاه مصدق به جایگاه حزب و ساختار تشکیلاتی برای نقش آفرینی بازیگران سیاسی است. وی اعتقادی به حزب و فعالیت‌های حزبی به عنوان یک نهاد سیاسی واسطه بین مردم و حاکمیت نداشت و معتقد بود «مملکت ما افرادی، رشد برای تشکیل حزب سیاسی ندارد و به محض اینکه حزب تشکیل شد، همه متوقع واگذاری شغل و مقام به آن‌ها می‌باشند» (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۲۷۷). بر مبنای چنین نگاهی، دولت مصدق به عنوان دولتی که بر احساسات توده مردم متکی بود و از این طریق در پی نمایندگی اقشار و طبقات مختلف جامعه بود، بالطبع نمی‌توانست بر بستر ساختار حزبی به عنوان یک نهاد سیاسی حائل عمل نماید، موضوعی که تاثیر آن بر درک و عملکرد وی از دموکراسی هم قابل مشاهده بود. مصدق به دموکراسی اعتقاد داشت اما سازوکاری که می‌خواست از طریق آن دموکراسی را به اجرا گذارد، مناسب دموکراسی به معنای رایج آن نبود، بلکه نوعی عوام‌گرایی «پوپولیسم» وضعیت مند بود.

۳-۵. سیاست خیابانی

یکی از مهمترین دستاوردهای سیاست در دوران مدرن، نهادمند کردن منازعات سیاسی است، منازعاتی که جزئی از سیاست بوده و خواهد بود. جایگاه نهادی هر نظام سیاسی، نقش تعیین کننده‌ای در مدیریت و هدایت رفتارها و منازعات سیاسی موجود در یک جامعه خواهد داشت. اگر در یک نظام سیاسی به هر دلیل امکان شکل‌گیری و تداوم فعالیت سیاسی بر بسترهای نهادمند وجود نداشته باشد، آسانترین و موثرترین محل برای نمود و نمایش چنین فعالیتی بستر خیابان خواهد بود. به عبارتی پایان سیاست نهادی، آغازی است برای سیاست خیابانی. سیاست ورزی بی واسطه میان مردم و سیاستمداران که در آن بر نمایش یکپارچه و بی‌واسطه قدرت مردم و سیاستمدار تأکید می‌شود که این خود نمودی از عوام‌گرایی است.

پس از نخست وزیر شدن مصدق، یک روز جمال امامی از صحن مجلس اعتراض می‌کند که «دولت مداری به سیاست خیابانی نزول کرده است، چنین به نظر می‌رسد که این کشور چیزی بهتر از برگزاری تظاهرات خیابانی ندارد. ما اکنون اینجا و آنجا و همه جا میتینگ داریم. کدام نخست وزیر این حرف را می‌زند که من می‌روم با مردم حرف می‌زنم..... می‌دانستم که هوچی است ولی جاه

طلبی او را اینقدر نمی دانستم. من اینقدر فرض نمی کردم یک پیرمرد هفتاد و چند ساله ای که همیشه تمارض می کند، مردم را فریب می دهد ... او که شما را نماینده نمی داند، چاقوکش های جلوی مجلس را نماینده می داند» (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۳۲۹).

شاید این توصیف قدری اغراق آمیز باشد اما بررسی اقدامات سیاسی مصدق، چه در دوره نخست وزیری و چه در زمان نمایندگی، بیانگر این واقعیت بود که وی از چنین تاکتیکی در موقعیتهای مختلف برای خشی نمودن اقدامات و تلاش های مخالفانش در مجلس استفاده می کرد. مصدق مردم را به خیابان می کشاند تا از طریق قدرت حضور مردم، ضعف ارتباط غیر سازنده خود با مجلس را پوشش دهد. خیابان برای وی یک ظرفیت قابل اتکا به منظور تداوم حضور در سیاست بود.

محدودیت های ساختاری مجلس و فشارهای نمایندگان مخالف باعث گشته بود تا مصدق بر ضرورت بهره مندی از حمایت های توده ای بطور بی واسطه و مستقیم پی ببرد و از آن به عنوان یک ترفند موثر استفاده نماید. در یک مورد هنگامی که مجلس به علت غیب عمدی نمایندگان و نرسیدن به حد نصاب تشکیل جلسه نداد، وی نطقش را برای جمعیتی که در میدان بهارستان اجتماع کرده بودند ایراد کرد و اظهار داشت «هر جا مردم هستند مجلس همانجاست، و وقتی متوسل به همه پرسى شد که اوج مردم گرایی اش به شمار می رفت و اعلام نمود، در کشورهای دموکرات هیچ قانونی ما فوق اراده مردم نیست» (عظیمی، ۱۳۹۱: ۶۳۳). همچنین در مبارزه ای که برای ملی شدن صنعت نفت آغاز کرده بود سعی می نمود از این ظرفیت در راستای تحقق برنامه های خود استفاده نماید. مصدق در یک سخنرانی برای حدود دوازده هزار نفر در تهران، دولت را به دلیل درخواست های ناچیز از انگلیس محکوم و تأکید کرد که این مبارزه تا ملی شدن کامل نفت پایان نخواهد یافت (آبراهامیان، ۱۳۹۱: ۳۲۷). اوج بهره برداری مصدق از ظرفیت توده مردم در خیابان ها، مربوط می شد به حوادثی که به واقعه ۳۰ تیر ۱۳۳۱ و انتخاب مجدد وی به نخست وزیری ختم شد. به عبارتی می توان گفت در این هنگام به معنای واقعی کلمه، خیابان ها مصدق را به قدرت رساندند. زمانیکه شاه بدون توجه به خواست و نظر نخست وزیر، اقدام به انتصاب وزیر جنگ مورد نظرش کرد، مصدق از مقام نخست وزیری استعفا داد و مستقیماً دست به دامان مردم شد. نظارکنندگان طرفدار جبهه ملی و حزب توده به خیابان ها ریختند و بعد از سه روز خون و خونریزی، شاه مجبور به فراخواندن دوباره مصدق و تسلیم وزارت جنگ به او شد. جمعیت نه تنها دربار و سیاستمداران

نشسته در مجلس، بلکه نیروهای مسلح حکومتی را هم شکست داده بود (آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۵۴). آن چیزی که باید در فراز و فرود رفتار سیاسی مصدق بیش از هر چیز مورد توجه قرار گیرد این مسأله است که اگر قرار بود کف خیابان تعیین کننده مناسبات سیاسی کشور باشد، آن هم در شرایطی که کشور از نهادهای به اصطلاح دموکراتیکی همچون مجلس و قانون اساسی برخوردار بود، پس نقش و جایگاه چنین نهادهایی در شکل دهی و تنظیم این مناسبات چه می‌توانست باشد؟

نتیجه‌گیری

پوپولیسم در همه نظام‌های سیاسی بصورت نسبی در اشکال و قالب‌های مختلف امکان‌ظهور و بروز دارد و بالطبع از زمان استقرار سیستم نمایندگی در نظام‌های سیاسی ایران معاصر، یکی از آسیب‌هایی که متوجه این سیستم بوده، عوام‌گرایی یا پوپولیسم می‌باشد. به عبارتی کشمکش بین سازوکارها و فرآیندهای قاعده‌مند سیاسی و سایر اقدامات و فعالیت‌های سیاسی مخالف و متضاد، از جمله مسائل و چالش‌های نظام‌های سیاسی در ایران معاصر بوده است. لذا بمنظور مطالعه نمونه‌های پوپولیستی در دهه بیست شمس نیازمند یک چارچوب مطالعاتی بودیم تا امکان بررسی نمونه‌های تاریخی را به شکل مصداقی فراهم سازد. بنابراین معیار و الگویی که در بررسی پوپولیسم واجد اهمیت است، بررسی آن بر اساس میزان وجود ویژگی‌های عوام‌گرایانه و پوپولیستی است که در تحلیل این پدیده موثر خواهد بود. با عنایت به چنین رویکردی می‌توان گفت، پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال بود که عملکرد حزب توده و روش سیاسی مصدق تا چه میزان از ویژگی‌های عوام‌گرایانه و پوپولیستی برخوردار بوده است. بر مبنای تعریفی که از مفهوم پوپولیسم ارائه شد، یعنی توسل بی‌واسطه به قدرت مردم از سوی سیاستمداران و بازیگران سیاسی در یک سیستم نمایندگی، تعدادی از شاخصه‌های رفتاری و عملکردی مورد ارزیابی قرار گرفت. بررسی‌ها نشان داد که الگوی اقدامات و رفتارهای سیاسی در موارد مورد مطالعه، بیش از آنکه در قالب یک سیستم قاعده‌مند و ضابطه‌مند بگنجد، منطبق بر نوعی بی‌قاعدگی و متأثر از یک فضای هیجانی و احساسی بوده که در آن رفتارهای توده‌ای و عوام‌گرایانه چیرگی داشته است. به عبارتی فعالیت‌های حزب توده و اقدامات دکتر مصدق فارغ از هرگونه نگاه ایدئولوژیکی و ارزش محور (تقسیم بندی‌های رایج سیاسی) به جای اینکه به نهادمندی و سامان بخشی فضای سیاسی کمک کند، از طریق ایجاد فضای هیجانی و احساسی، بستر و زمینه را برای حرکتها و رفتارهای پوپولیستی فراهم می‌نمود. حزب توده از طریق طرح و برجسته‌سازی موضوعاتی همچون توده‌گرایی، غیریت‌سازی و ایده‌های کل‌گرایانه به دنبال ایجاد جامعه‌ای توده‌ای بود و هدف اصلی آن از ایجاد چنین جامعه‌ای، آگاهی توده‌ها نسبت به نظام

طبقاتی و ساختارها و مناسباتی بود که در آن مورد استعمار و بهره برداری قرار می‌گرفتند. نکته اینکه عناصر شکل دهنده تفکرات و اندیشه بنیانگذاران حزب، منحصرأ الزامات خاص سیاسی و اجتماعی آن روز جامعه ایران نبود، بلکه فعایت و اقدامات آنان در چارچوب تحلیل‌ها و تبیین‌های وارداتی مارکسیستی و سوسیالیستی توجیه می‌شد. همچنین مصدق در یک شرایط وضعیت‌مند و به دلیل محدودیت‌ها و تنگناهای سیاسی که از سوی ساختار سیاسی و همچنین مخالفان و رقیبان با آن مواجه بود، سعی می‌نمود تا این محدودیت‌ها و ضعف عدم ارتباط قاعده‌مند خود با مردم را، از طریق ارتباط مستقیم و بی واسطه جبران نماید. رفتارهای نامتعارف و توده پسند و از جهتی بی‌توجهی او نسبت به ساختارها و نهادهای سیاسی برای حل و مدیریت منازعات سیاسی، موجب تشدید فضای هیجانی و توده وار در جامعه سیاسی آن روز ایران می‌شود. نکته و بهره اینکه پوپولیسم بعنوان یک پدیده در سیاست مدرن، یک انگ و برجسب سیاسی برای جریان، حزب و یا سیاستمدار خاصی نیست، بلکه نوعی ناهنجاری سیاسی است که ویژگی‌های آن را می‌توان هم در رفتار سیاسی محمد مصدق با گرایشات لیبرالی و هم در عملکرد حزب توده با اندیشه‌های مارکسیستی ردیابی کرد.

منابع

- انصاری، فاروق (۱۳۸۹)، *چپ و چپ گرایی در جهان اسلام*، چاپ اول، تهران: نشر کتاب مرجع.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۱)، *ایران بین دو انقلاب*، چاپ نوزدهم، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۴)، *مردم در سیاست ایران*، چاپ اول، ترجمه بهرنگ رجبی، تهران: نشر چشمه.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۶)، *مقالاتی در جامعه شناسی سیاسی ایران*، ترجمه سهیلا ترابی، تهران: انتشارات شیرازه.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۷)، *گذار به دموکراسی*، چاپ سوم، تهران: نگاه معاصر.
- بنی جمالی، احمد (۱۳۹۵)، *آشوب (مطالعه در زندگی و شخصیت دکتر مصدق)*، چاپ پنجم، تهران: نشر نی.
- پوریا، ارسلان (۱۳۹۶)، *کارنامه مصدق و حزب توده*، چاپ اول، تهران: نشر ققنوس.
- تاگارت، پل (۱۳۹۱)، *پوپولیسم*، چاپ سوم، ترجمه حسن مرتضوی، تهران: انتشارات آشتیان.

حاتمی، عباس (۱۳۹۸)، «پوپولیسم و کورپوراتیسم در پهلوی دوم، ابزارهای نرم برای اقتدار گرایی سخت»، فصلنامه علمی جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۶، شماره ۶، تابستان، صص ۲۴-۱.

دلیر پور، پرویز (۱۳۸۹)، «زمینه های سیاسی و اجتماعی پوپولیسم و اقتدار طلبی»، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۷۹، آذر و دی، صص ۶۱-۴۶.

دوبلگ، کریستوفر (۱۳۹۸)، تراژدی تنهایی، چاپ هفتم، ترجمه بهرنگ رجبی، تهران: نشر چشمه.

رحمانیان، داریوش (۱۳۹۶)، تاریخ دهه بیست و نهضت ملی ایران، چاپ سوم، تهران: نشر علم.

سحابی، عزت... (۱۳۸۰)، مصدق، دولت ملی و کودتا، چاپ اول، تهران: انتشارات طرح نو.

سمیعی، شیرین (۱۳۹۵)، در خلوت مصدق، چاپ هفتم، تهران: نشر ثالث.

عظیمی، فخرالدین (۱۳۹۱)، بحران دموکراسی در ایران ۱۳۳۲-۱۳۲۰، چاپ چهارم، ترجمه عبدالرضا مهدوی و بیژن نوذری، تهران: نشر آسیم.

غنی نژاد، موسی (۱۳۹۴)، تجددطلبی و توسعه در ایران معاصر، چاپ پنجم، تهران: نشر مرکز.

کولائی، الهه (۱۳۸۷)، استالین گرایی و حزب توده ایران، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

جمعی از پژوهشگران (۱۳۸۷)، حزب توده از شکل گیری تا فروپاشی (۱۳۶۸-۱۳۲۰)، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی.

منظری پور، مریم؛ تقوی، سیدمحمد و اطهری، سیدحسین (۱۳۸۹)، «تحلیل گفتمان تصویر دیگری در مطبوعات حزب توده (۱۳۳۱-۱۳۲۹)»، فصلنامه رسانه، دوره ۲۱، شماره ۸۱، بهار، صص ۸۶-۶۳.

ورنر مولر، یان (۱۳۹۶)، پوپولیسم چیست؟، چاپ اول، ترجمه بابک احمدی، تهران: نشر بیدگل.

همایون کاتوزیان، محمد علی (۱۳۹۷)، خاطرات سیاسی خلیل ملکی، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار.

Panizza, Francisco (2005), **Populism and the Mirror of Democracy**, Description: London; New York, NY: Verso.

Arditi, Benjamin (2007), **Politics on the Edges of Liberalism**, Edinburgh University Press Ltd.

Laclau, Ernesto (1977), **Politics and Ideology in Marxist Theory: Capitalism, Fascism, and Populism**. London: NLB.

Dodson, Michael & Dorraj, Manochehr (2008), "Populism and Foreign Policy in Venezuela and Iran", **Whitehead Journal of Diplomacy and International Relations**, 9(1), 71-88.

Bryder, Tom (2009), **Populism – a threat or a Challenge for the Democratic System?** , University of Copenhagen, Faculty of Social Science Department of Political Science.

Manifestations of Populism in Contemporary Iran; Investing the Performance of the Tudeh Party and Mossadegh's Political Method in the 50s

Mehdi Akhwan Khodashahri

PhD student of Political Science, Central Tehran Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Babak Naderpour

Assistant Professor of Political Science, Central Tehran Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

Email: Nader1642@yahoo.com

Seyyed Abdul Amir Nabavi

Associate Professor, Institute of Cultural and Social Studies (Ministry of Science,
Research and Technology), Tehran, Iran.

Abstract:

Since the power of the people became relevant in the field of politics, the use and exploitation of such power has attracted the attention of politicians and political actors, and in accordance with such a development, thinkers in the field of politics have thought of various mechanisms to appeal to the power of the people, one of the most acceptable of which is the representation system. On the other hand, one of the most important threats and challenges that the political system based on representation has been dealing with so far is populism. Populism, in the sense of direct and unregulated appeal to people's power, is a complication for all political systems based on representation, which can be seen in a strong or weak form. In this article, the performance of the Tudeh party and the political method of Dr. Mohammad Mossadegh in the 50s have been investigated through a qualitative method and by using Jan Werner Muller's theories about populism. The obtained results indicate that a set of populist characteristics such as massism, alienation and generalist ideas on the performance of the Tudeh Party, as well as things such as unconventional and pro-Tudeh political behaviors, are not Political menstruation and street politics have influenced Mossadegh's political method.

Keywords: Contemporary Iran; Mossadegh Political Method; Tudeh Party Performance; Manifestations of Populism; Representative System.